

نام خانوادگی:	باسمه تعالی	نام درس: فلسفه ۱
نام پدر:	وزارت آموزش و پرورش	کد ملی (ضروری):
نام آموزشگاه:	اداره کل آموزش و پرورش استان یزد	تاریخ امتحان: ۱۴۰۰/۳/۱۹
نام کلاس:	مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میبد	وقت: ۴۰ دقیقه
	آزمون درس فلسفه یازدهم انسانی	دبیر: حمید رضا عبدلی

نمره با عدد	نمره با حروف	نام و نام خانوادگی وامضاء دبیر
ردیف	سؤالات	نمره
۱	<p><b>عبارت صحیح را با «ص» و عبارت غلط را با «غ» مشخص نمایید.</b></p> <p>(الف) وقتی کسی از عشق، درد و رنج، سخن می گوید، وارد فطرت ثانی شده است. (.....ص.....)</p> <p>(ب) در تمثیل غار افلاطون، پاره کردن زنجیرها، صرفاً مثالی برای رهایی از عادات غیر منطقی است. (.....غ.....)</p> <p>(ج) از نگاه داروینیست ها، انسان هیچ تفاوتی با سایر حیوانات ندارد. (.....غ.....)</p> <p>(د) می توان گفت، پارمنیدس به «بودن» هستی و هراکلیتوس به «شدن» هستی، اهمیت می دادند. (.....ص.....)</p>	۱
۲	<p><b>جاهای خالی را با کلمه یا عبارت مناسب کامل کنید.</b></p> <p>(الف) اگر کسی معتقد باشد، افراد، صرفاً تحت تاثیر عوامل اجتماعی هستند، به ..... اصالت جامعه ..... معتقد است.</p> <p>(ب) ..شهاب الدین سهروردی..... از فلاسفه اسلامی، آنچه از طریق شهود به دست می آورد را به نحو استدلالی تبیین می کرد.</p> <p>(ج) دزدی، دروغ، تهمت و بد اخلاقی، از انواع فعل ..... فعل اخلاقی ..... هستند. (فعل طبیعی - فعل اخلاقی)</p> <p>(د) اختلاف نظر ما انسان ها درباره مسائل مختلف، نشان دهنده آن است که معرفت امری ..... خطا پذیر ..... است.</p> <p>(ه) شناختی که با همکاری عقل وحس بدست می آید ..... شناخت تجربی ..... می گویند.</p> <p>(و) اینکه ما در هنگام تشنگی میل به نوشیدن آب داریم، مربوط به وجود قوه ..... شهوت ..... در ماست.</p>	۱/۵
۳	<p><b>انسان شناسی ابن سینا و ملاصدرا را با یکدیگر مقایسه کنید. (هر کدام یک مورد)</b></p> <p>شبهت: هر دو به وجود نفس اعتقاد دارند- هر دو انسان رو موجودی دو بعدی (روح و بدن) می دانند. - هر دو معتقدند روح امری معنوی است.</p> <p><b>اختلاف:</b> ابن سینا روح را ضمیمه شده به بدن می داند اما از نگاه ملاصدرا روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست و از نگاه ملاصدرا نفس و بدن وحدت حقیقی دارند.</p>	۱
۴	<p><b>ابن سینا معتقد است شناخت تجربی بر چند قاعده مهم عقلی استوار است. برای هر یک از این قاعده های ذکر شده، یک مثال بزنید.</b></p> <p>۱. پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند؛ مثلاً: شکسته شدن شیشه علتی دارد - سبز شدن گل ختمی در باغچه ما علتی دارد.</p> <p>۲. هر پدیده، علتی ویژه دارد؛ مثلاً: شکسته شدن شیشه به خاطر برخورد توپ بوده نه ریختن برگ درختان- علت سبز شدن گل ختمی بذر گل ختمی و .... است نه بذر گندم.</p> <p>۳. طبیعت همواره یکسان عمل می کند؛ مثلاً: همیشه آب در دمای صد درجه به جوش می آید - همیشه آتش باعث گرمی و نور است.</p>	۱/۵
۵	<p><b>با ذکر مثالی غیر از مثال کتاب، نشان دهید که چگونه بخش ریشه های فلسفه می تواند بر شاخه های فلسفه و بعد از آن بر علوم تاثیر بگذارد.</b></p> <p>ذکر بخش های ریشه ای: اگر ما بپذیریم که عالم غیر ماده وجود دارد.</p> <p>تاثیر در بخش فرعی (مضاف): می توانیم در فلسفه هنر از وجود زیبایی های غیرمادی و معنوی سخن بگوییم.</p> <p>تاثیر در علوم: بر اساس فلسفه هنر معنوی مان می توانیم سینما، نقاشی، موسیقی و .... داشته باشیم که ناظر به عالم غیرمادی باشد (مثلاً موسیقی ها و هنرهای معنوی)</p>	۱/۵

۶	دیدگاه افلاطون و ارسطو در بحث معرفت شناسی را با یکدیگر مقایسه کنید. (هر کدام یک مورد) شباهت: هر دو حس و عقل را در معرفت شناسی معتبر می دانند. - هیچ کدام از شناخت و حیاتی سخنی نگفته اند. اختلاف: از نگاه افلاطون (برخلاف ارسطو) حس شناخت حقیقی به ما نمی دهد - افلاطون به شهود قلبی هم باور دارد.
۷	خیلی کوتاه و ساده تفاوت دیدگاه ارسطو و افلاطون در بحث فلسفه اخلاق را بنویسید. (هر کدام یک مورد) شباهت: هر دو به نوعی به حاکمیت عقل بر قوای شهوت و غضب معتقدند. اختلاف: از نگاه افلاطون عقل باید بر قوای شهوت و غضب حاکم باشد و آنها را کنترل کند تا به عدالت میان قوا برسیم اما ارسطو از رعایت حد وسط و حد اعتدال قوا صحبت می کند یعنی اینکه قوا دچار افراط و تفریط نشوند.
۸	هم پروتاگوراس و هم نسبی گرایان، معرفت را امری نسبی دانسته اند؛ اما قطعاً تفاوتی بین آنها وجود دارد. تفاوت آنها را بیان کنید. (صرفاً تفاوتشان مد نظر است) پروتاگوراس این مسئله را فقط در شناخت حسی مطرح کرد؛ ولی نسبی گرا، این قاعده را در همه شناختها جاری می کند؛ مثلاً از نسبیت اخلاق، تجربه و ... هم سخن می گویند.
۹	هم دکارت و هم ماتریالیست ها در انسان شناسی شان، از تعبیر «ماشین پیچیده» استفاده می کنند. چه تفاوتی در استفاده هر یک کدام وجود دارد. (دو دیدگاه را با در نظر گرفتن «ماشین پیچیده» مقایسه کنید) از نگاه دکارت فقط بدن انسان ماشین پیچیده است (یعنی دکارت روح را به عنوان بعد دیگر قبول دارد)؛ اما ماتریالیست ها کلاً انسان را یک ماشین پیچیده می دانند (یعنی اصلاً به روح اعتقادی ندارند)
۱۰	یکی از والدین شما، در جمع کسانی که برای شما اهمیت دارند، از شما می خواهد کاری را انجام دهید. اگر در تنهایی به شما می گفت، انجامش نمی دادید؛ اما الآن به خاطر حضور در جمع اطرافیان، حاضر به انجام آن می شوید. مطابق دیدگاه اخلاقی کانت، این فعل را تحلیل کنید. کانت معتقد است فعلی اخلاقی است که فقط از روی دعوت وجدان انجام شده باشد و نه به خاطر سود و منفعت شخصی یا به خاطر تشویق و تمجید (یا ترس از توبیخ و سرزنش). بر اساس فلسفه کانت این کار من اخلاقی نیست؛ چون من آن را از روی وجدان انجام نداده ام؛ بلکه به خاطر منفعت شخصی ام و به خاطر اینکه مورد تشویق واقع شوم و در نگاه دیگران انسان بدی نباشم، آن را انجام داده ام.

آن یار طلب کن که تو را باشد و بس // معشوقه صد هزار کس را چه کنی؟!

(با مهر)